

# بررسی تطبیقی حقوق شهروندی افراد در جغرافیای زیستی به استناد نهج البلاغه و انجیل

احمد غلامی

دانشجوی دکتری رشته‌ی حقوق عمومی دانشگاه عدالت

میشم تارم<sup>۱</sup>

گروه الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

سهیل سهیلی نجف آبادی

گروه الهیات، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

## چکیده

این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی حقوق شهروندی نهج البلاغه و انجیل صورت گرفته است. روش مورد استفاده به صورت توصیفی - تحلیلی بوده و نتایج و یافته‌ها حاکی از آن است که بر اساس بررسی‌های که در این پژوهش صورت گرفت مشخص گردید مسأله حقوق شهروندی به صورت پررنگی در آموزه‌های دو دین بزرگ و جهانی اسلام و مسیحیت بیان شده است. از دیدگاه آموزه‌های اسلامی شهروندان دارای حقوق سیاسی، معنوی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی می‌باشند که حاکمیت و دولت اسلامی موظف است در راستای احیای این حقوق و ارج نهادن به آنها در ساخت‌های گوناگون قانونگذاری و اجرا و اداره امور مختلف بدان توجه داشته باشد. از دیدگاه آموزه‌های مسیحیت نیز شهروندان دارای حقوق اساسی می‌باشند که در این میان می‌توان به حقوقی همچون کرامت انسانی، آزادی و عدالت اشاره کرد. همچنین باید گفت هم در نهج البلاغه که دومین کتاب معتبر در بین مسلمانان و برترین تغییر از تعالیم والای قرآنی و وحیاتی است و هم در انجیل که به اعتقاد مسیحیان، کتابی آسمانی و الهی و مهدی‌خدایی برای نجات انسان‌ها از طریق پیامبری راستین حضرت عیسی (ع) است، به مؤلفه‌های اساسی در حقوق شهروندی اشاره و تصریح شده است و این بیانگر یگانگی دیدگاه این دو دین و این دو کتاب، درباره حقوق اساسی زندگی و حقوق شهروندی است.

کلیدواژه‌گان: حقوق شهروندی، کرامت، آزادی، عدالت، نهج البلاغه، انجیل.

## مقدمه

اساساً شهروند به کسی گفته می‌شود که بدلیل عضویت در یک واحد سیاسی یعنی دولت-کشور دارای حقوق سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی است. شهروندی رابطه‌ی نزدیکی با مقوله تابعیت دارد. (رضایی پور، ۱۳۸۵: ۱۰). هر فردی به صرف متولد شدن در یک سرزمین موقعیت و شان شهروندی را کسب می‌کند. ولی مهم این است که هر یک از شهروندان در مراحل رشد و بلوغ خود امکان آن را داشته باشند که با آنچه به آنها به عنوان شهروند تعلق دارد، آشنا شوند تا بتوانند هم در انتخاب هایشان و هم در شیوه عمل شان به اصول و مبانی زندگی جمعی، سیاسی و اجتماعی خود، به عنوان شهروند، نزدیک تر و هماهنگ تر باشند. در فرهنگ اسلام واژه‌هایی مانند: رعیت، امت، ملت، ناس و ابناء به چشم می‌خورد که با واژه شهروند، ارتباط نزدیکی دارند. در میان واژه‌های مذکور، واژه رعیت از نظر مفهوم و بار سیاسی - حقوقی از دیگر واژه‌ها به مفهوم شهروند نزدیکتر است. رعیت به معنای مسوولیت حاکم در برابر مردم، در زبان عربی بار مثبتی دارد (الا کلکم راع و کلکم مسوول عن رعیت). اما مفهوم منفی آن در زبان فارسی و خلط میان این دو معنا موجب شده است که از اطلاق رعیت به مردم در نظام‌های سیاسی امروز، معنایی منفی به ذهن خطور کند. رعیت در زبان فارسی به «گروهی که دارای سرپرست هستند و به کشاورزانی که برای مالک زراعت می‌کنند و به اتباع پادشاه و تبعه یک کشور اطلاق می‌شود». (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۰۶۹) در اسلام هر جا صحبت از رعیت شده، مراد همان حقوق شهروندی امروزی است. حقوق شهروندی در کشورهای اروپایی و آمریکایی زیر مجموعه علوم سیاسی قرار می‌گیرد و بیشتر ناظر به حقوق مشارکت شهروندان در اداره امور کشور است و ابعاد متفاوت آن را در بر می‌گیرد.

حقوق شهروندی، مفهومی سیاسی-حقوقی است. سیاسی از این جهت که رابطه فرد با نظام سیاسی را مد نظر قرار دارد. و حقوقی است بدین علت که حقوق و تکالیفی برای شهروند در ارتباط با جامعه و نظام اجتماعی-سیاسی که از آن پیروی می‌کند ارائه می‌دهد. پس می‌توان گفت اساساً شهروند امروزی کسی است که وظایف او حقوقش را معین می‌کند و به همین سبب، شهروند مطلوب شهروندی است که مسؤله رفتار کند. یعنی در برابر حقوقش مسئولیت‌پذیر باشد شود. امروزه، وضع حقوقی شهروند تا حدودی از حمایت بین المللی برخوردار است.

همه انسان‌ها از نظر قانونی دارای حقوق و تکالیفی در جامعه می‌باشند که چارچوب زندگی آن‌ها در کنار یکدیگر را تعیین می‌کند. تمامی حقوق و تکالیف قانونی افراد در جامعه توسط قانون‌گذار در قالب‌های مختلف تعیین می‌شود که یکی از آن‌ها حقوق مدنی است. حقوق مدنی شامل: حقوق انسان‌ها و احکام و قواعد ویژه آن‌هاست که متناسب با فرهنگ و عرف هر جامعه‌ای منحصر به فرد می‌باشد.

اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین دین الهی در درون خود تمام قواعد و سنت های بشری را دارد؛ که می‌تواند پاسخگوی تمامی نیازهای اساسی انسان و جامعه بشری باشد. از دیدگاه اسلام، خداوند انسان را موجودی شریف و نمونه قرار داده و مزایایی به او بخشیده است که سایر موجودات از آن محروم هستند. بر روی حق الناس تأکید ویژه ای وجود دارد به طوری که برحق الله مقدم شمرده شده است. در روایات اسلامی آمده است که خداوند از حق خود می‌گذرد اما از حق الناس هرگز. حتی در مورد غیر مسلمانان نیز اگر قصد فساد و عناد با اسلام نداشته باشند، اسلام اجازه تجاوز به حقوق آنان را نمی‌دهد. بنابراین اسلام بزرگترین حامی و واضع حقوق بشر است. آنچه که برای اسلام مهم است احیای حقوق بشر در پرتو حق است نه چیز دیگر. اولین مدعی حقوق بشر، خداوند بزرگ است.

پس اصل هر حقی از جانب خداست و اوست که بر اساس مصالح و حکمت‌ها، حقوقی را برای همه قرار داده است.

«پیشینه حقوق شهروندی در اسلام به زمان هجرت نبی اکرم(ص) به مدینه النبی باز می‌گردد. و اولین جرعه‌های تشکیل حکومت اسلامی از آن زمان به وجود آمد. زیرا حقوق شهروندی زمانی موضوعیت پیدا می‌کند که حکومت و مردم هر دو شکل گرفته باشند. به عبارت دیگر دلیل حقوق شهروندی، تشکیل حکومت است. ایشان با الهام از آموزه‌های وحیانی، شاخصه‌های حقوق شهروندی را در میان شهروندان جامعه اسلامی به بهترین نحو ممکن به اجرا در آورد». (احمد زاده، ۱۳۸۴: ۶)

خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه هم درباره حقوق اجتماعی است. حضرت امیر(ع) در این خطبه به بیان حقوق متقابل رهبری و مردم می‌پردازند. در ابتدای خطبه می‌فرمایند: خداوند سبحان حقی را برای من به عهده شما قرار داده است. و مانند حقی که من بر شما دارم شما نیز بر عهده من حقی دارید. به نظر ایشان تعیین حقوق از جانب پروردگار است. ایشان سپس به ارتباط بین حق و تکلیف اشاره می‌کنند، که حق اگر به سود کسی اجرا شود ناگزیر به زیان او نیز به کار می‌رود و تنها حق خداوند سبحان یک طرفه است. بنابراین این طور نیست که عده‌ای تنها بر عهده دیگران حقوقی داشته باشند، بدون اینکه خود تعهدی داشته باشند.

در کتاب مقدس انجیل که منبع اصلی مسیحیان است احکام و حقوق شهروندی به‌طور کلی بیان شده است و تفاسیر مختلفی از این کلیات در فرقه‌های مختلف مسیحیت وجود دارد. بخش زیادی از این دستورات هم به‌صورت کامل‌تری در منابع اسلامی ذکر شده است که نشانه صحت این احکام است. چند نمونه از این احکام که در کتاب مقدس وجود دارد، اینگونه است:

و زن همسایه خود را بی‌عصمت نکند و به زن حائض نزدیکی ننماید و بر کسی ظلم نکند و گرو قرض دار را به او ردّ نماید و مال کسی را به غصب نبرد، بلکه نان خود را به گرسنگان بدهد و برهنگان را به جامه بپوشاند و نقد را به سود ندهد و ربیخ نگیرد، بلکه دست خود را از ستم برداشته، انصاف حقیقی را در میان مردمان اجرا دارد و به فرایض من سلوک نموده و احکام مرا نگاه داشته، به‌راستی عمل نماید و بر کسی ظلم نکند و گرو نگیرد و مال احدی را به غصب نبرد بلکه نان خود را به گرسنگان دهد و برهنگان را به جامه بپوشاند... و اگر مرد عادل از عدالتش برگردد و ظلم نموده، موافق همه جسارتی که شریران می‌کنند عمل نماید آیا او زنده خواهد ماند؟ نه.» ( حزقیال ۱۸: ۱-۲۵). و اگر برادرت فقیر شده، نزد تو تهی دست باشد، او را مثل غریب و مهمان دستگیری نما تا با تو زندگی نماید. از او ربا و سود مگیر و از خدای خود بترس تا برادرت با تو زندگی نماید. نقد خود را به او به ربا مده و خوراک خود را به او به سود مده.» (خروج ۲۲: ۲۵).

داوری را منحرف مساز و طرفداری منما و رشوه مگیر، زیرا که رشوه چشمان حکما را کور می‌سازد و سخنان عادلان را کج می‌نماید.» (لاویان ۲۵: ۲۵-۳۷)

اما مسئله مهم و اساسی این است که در مسیحیت بعد از عروج حضرت عیسی (علیه‌السلام) و روی کار آمدن یک شخص یهودی به نام پولس، تمام این احکام و دستورات تعطیل شد و فقط به مسئله ایمان کفایت می‌کردند چون پولس به مردم القاء کرد که عمل به دستورات خداوند هیچ تأثیری در سعادت بشر ندارد و صرف ایمان به الوهیت

عیسی برای نجات کفایت می‌کند و همین باعث نادیده گرفتن این حقوق شد. از سوی دیگر چند واقعه شرم‌آور از سوی بزرگان مسیحیت اتفاق افتاد و مسئله حقوق شهروندی را پایمال کرد و هیچ توجیهی هم برای آنان باقی نگذاشته است، تفتیش عقاید یکی از ننگین‌ترین نقاط تاریخ کلیساست که طی آن هر کس ایمان به الوهیت عیسی نداشت به بدترین شکل ممکن شکنجه می‌شد و یا زنده در آتش افکنده می‌شد. سال ۱۴۷۰ تا ۷۸ فقط در اسپانیا ۱۰۰ هزار نفر در دادگاه‌ها محکوم شدند که ۹۰۰۰ نفر از آن‌ها زنده در آتش سوزانده شدند. به جرم اینکه در مسائل علمی و الهیاتی عقیده‌ای خلاف کلیسا داشتند.<sup>۱</sup>

دومین لکه سیاه بر دامن کلیسا، سوءاستفاده‌های جنسی نهادها و بزرگان کلیسا از کودکان است و علت آن هم حرمت ازدواج مسئولین و راهبان کلیسا است. سومین نمونه هم فروش بهشت و توبه‌نامه، به مردم است که طی آن هر کس به گناهان خود نزد راهب اعتراف کند و هزینه آن گناه را به کلیسا بپردازد، برگه‌ای به نام خرید بهشت و توبه‌نامه تحویل می‌گیرد! و این کار برای تأمین نیازهای مالی کلیسا در زمان کنونی هم رایج است! تفتیش عقاید، فروش توبه‌نامه به مردم ساده‌لوح و سوءاستفاده جنسی از کودکان، نشان بی‌اهمیتی حقوق شهروندی، برای جامعه کلیسا است، گرچه کتاب مقدس آن‌ها، دستوراتی مفید در این باره دارد اما انکار عمل و تأکید بر ایمان محض از سوی رؤسای کلیسا، موجب فسادهای فراوان از جمله بی‌توجهی به حقوق شهروندی شده است.

به نظر می‌رسد در مقام مقایسه جایگاه حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری، اسلام در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد. چون به انسان در مقام خلیفه الهی، حقوق و آزادی‌های اجتماعی را داده و در عین حال او را مسئول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران دانسته است. در اصل، در نظام حقوقی اسلام به طور کلی حق و تکلیف با هم وجود دارد. شهروندی به معنای برخورداری عموم اعضای جامعه از حقوق و تکالیف برابر است، به‌گونه‌ای که هیچ تبعیضی از لحاظ سیاسی، اجتماعی و حقوق مدنی میان افراد جامعه وجود نداشته باشد. مشخص است که توحید اسلام، توحید آزادی و آزادگی است؛ و تنها شکلی از خداپرستی است که به انسان یقین، آرامش و امید می‌بخشد و او را متعهد می‌سازد.

حقوق شهروندی هدیه الهی و جزو حقوق ذاتی و فطری انسان‌ها است. نهج البلاغه به عنوان یکی از کتب معتبر اسلامی و عهد جدید به عنوان کتاب مقدس مسیحیت در بخش‌هایی مفهوم حق را مورد توجه قرار داده‌اند. نهج البلاغه نگاه فراگیری درباره حقوق شهروندی ارائه می‌دهد که نه از روی عاطفه، که از قوه عقل بهره می‌گیرد و تنوع را رسمیت می‌بخشد. نهج البلاغه به عنوان یک متن دینی، حاوی پیام‌هایی است که در تحقق شرایط جامعه مبتنی بر اصول زندگی مدنی تاثیرگذار است و لذا می‌توان با ملاحظه برخی از بخش‌های آن، به مضامینی دست یافت که نشانگر اهمیت حقوق شهروندی در یک جامعه و در نتیجه در زندگی انسان‌ها است.

با توجه به توضیحاتی که ارائه شد به بررسی تطبیقی حقوق شهروندی نهج البلاغه و انجیل خواهیم پرداخت. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پژوهش به صورت تحلیلی - استنتاجی است. به عبارتی دیگر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از کدگذاری‌ای استفاده می‌شود که در اینجا شکلی از تحلیل محتواست و در پی یافتن و مفهوم‌سازی موضوعات قابل بحثی است که در میان انبوه داده‌ها وجود دارند. ابتدا مفاهیم اصلی استخراج شده از منابع موجود

شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها درک می‌شود، سپس مفاهیم و عناوین استخراج شده دسته‌بندی و مقایسه می‌کنیم، در پایان به صورت نظام‌مند مؤلفه‌های اصلی را انتخاب کرده و در صورت لزوم با سایر مؤلفه‌ها مرتبط می‌سازیم و بر اساس این تحلیل به پرسش‌های پژوهش پاسخ می‌دهیم.

### تکالیف و اختیارات دولت و جامعه از منظر نهج البلاغه

نهج البلاغه به منظور تدبیر امور جامعه و حفظ و امنیت کشور، برای دولت و دولتمردان اسلامی اختیارات و ضوابطی براساس شرع و احکام دینی قائل است که هر کدام از آنان ملزم به رعایت آن هستند. نهج البلاغه جهاد در برابر دشمنان را یکی از اختیارات دولت در حوزه سیاست‌های خارجی بر می‌شمارد، اما برای آن حدود و مرزهایی قائل است و اجازه نمی‌دهد جنگ و جهاد به منظور تجاوز به سرزمین‌های دیگر به قصد طمع و چپاول اموال آنان صورت گیرد. از این رو جنگ‌های امام علی (ع) دفاعی بوده است و به فرماندهان خود دستور می‌دهد تا جنگ از طرف دشمن آغاز نشود، هرگز به جنگ اقدام نکنند حفظ وحدت اسلامی یکی دیگر از اختیارات دولت در عرصه سیاست‌های خارجی و داخلی است. (حمیدیان و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۰)

امام علی (ع) در این سخنان به چند نکته اشاره نمی‌کند. نخست، به حدود و مرزهای عبرت و اطاعت از حاکمان اشاره نمی‌کند، و آن را در صورتی جایز نمی‌شمارد که حاکمی عادل باشند و بر اساس قرآن و شریعت حکم کنند. دوم، آن که مردم از اصلاح امور خودداری نکنند سوم، آن که به خاطر پاسداری از حق، خود را به خطر بیاندازند (منهاج، ۲۰۳).

نخستین محیط‌های مسیحی سعی می‌کردند بیش از آنکه با محیط شهری و شاخصه‌های سیاسی زمان خود آمیخته شوند، خود را پاک و منزّه نگاه دارند و بدین خاطر آنها را صومعه می‌نامیدند. این صومعه‌ها سیستم‌های بسته‌ای بودند که به صورت مکانی دست نیافتنی به نظر میرسیدند و رابطه‌ای با اجتماع نداشتند، اما هر چه که دین مسیحیت بیشتر در میان جوامع رشد یافت تغییراتی کوچک اما اساسی در شاکله فیزیکی و اجتماعی محیط‌های مذهبی ایجاد شد و آن‌ها را به مکانی برای آموزش، تجمع فرهیختگان، درمان بیماران و دستگیری از نیازمندان و حمایت از حقوق حقه‌ی انسانی تبدیل کرد.

ویژگی مهم انسان مسیحی در این دوره از اندیشه مسیحیت، معرفت و عشق به خدا بود. بر اساس تعالیم انجیل، همه افراد دارای عشق به خدا هستند؛ همچنان که خدا نیز عاشق همه آنها است نگاه قانون طبیعی مسیحی به برابری و عدالت، بسیار مشابه قرائت رواقیان، سیزون و سنکا به این دو امر است. در ادامه به بیان برخی از حقوق شهروندی که در آیین مسیحیت مورد توجه قرار گرفته است می‌پردازیم.

### مقایسه نهج البلاغه و انجیل

پیامبران یک رشته واحدی را تشکیل می‌دهند که با همه اختلافات فرعی و شاخه‌ای، حامل یک پیام و وابسته به یک مکتب بوده‌اند. پیامبران پیشین مبشر پیامبران پسین بوده و پسینان مؤید و مصدق پیشینان بوده‌اند. قرآن مجید تصریح می‌کند که خداوند متعال با پیمانی که از همه انبیای عظام گرفته، آنها را مکلف کرده است که وقتی پیامبری آمد که حقیقت آنها را تصدیق و کتابهایشان را به گواهی درست شهادت داد، به او ایمان آورده و آن حضرت را یاری کنند:

و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمہ ثم جائکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به و لتنصرنہ» هنگامی که خداوند پیمان مؤکد از پیامبران گرفت که هرگاه کتاب و حکمت به شما دادم سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید.

امیرالمؤمنین (ع) در اولین خطبه نهج البلاغه پس از اشاره به خلقت عالم و آدم چنین می فرماید: «پس خداوند پیغمبرانش را در میان مردم برانگیخت و ایشان را با فواصل معینی پی در پی فرستاده تا از آنان عهد و پیمان خداوند را که عمل بر وفق پیمان و فطرتشان بود بخواهند و نعمت فراموش شده خداوند را که توحید فطرتشان است به یادشان آورند و از راه تبلیغ با برهان و حجت با ایشان گفتگو کنند. و خدای تعالی بندگان را از پیغمبر فرستاده شده، کتاب نازل شده، برهان قاطع و راه استوار محروم نکرده است...» پیامبرانی بودند از پیش که نام پیغمبر آینده به آنان گفته شده و یا از بعد که پیغمبر قبلی او را معرفی کرده است.

البته زمینه ظهور پیامبران از زمانهای دور دست (از ازل) پیش بینی شده که یک سلسله حوادث تاریخی در طول زندگی انسانها موجب ظهور آنان در مقاطع مختلف زمان گردیده است. به همین لحاظ است که در منابع اسلامی اشاراتی هست که خلقت پیامبر عظیم الشأن اسلام منحصر به زمان تولد ظاهری آن حضرت نبوده بلکه وجود مقدس سابقه در علم خداوندی دارد: «کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین» من پیغمبر بودم در حالی که حضرت آدم (ع) بین آب و گل بود

در قرآن بارها نقل صریح از مضامین انجیل نیز بازتاب یافته است و علاوه بر نقل صریح، برخی از پژوهشگران در پی آن بوده‌اند تا به نقل‌هایی غیر صریح از انجیل در قرآن دست یابند، اما از دریچه باورهای اسلامی، چنین کاوشی بی‌نتیجه خواهد بود، چه حتی اگر انجیل راستین هم در دست بود، از آن‌جا که هم آن و هم قرآن از سرچشمه وحی صادر گشته، همخوانی در آن‌ها به مفهوم نقل نمی‌توانست بوده باشد.

با این حال، برخی از علمای غیراسلامی در بررسی‌های تطبیقی خود کوشیده‌اند تا با یافتن همسانی‌هایی میان قرآن و اناجیل موجود، برخی از مضامین قرآن را بازتابی از مضامین انجیل بشمارند.

در این مقایسه‌ها موضوعاتی چون احوال حضرت مریم (ع)، ولادت حضرت عیسی (ع) و معجزات او و داستان حضرت یحیی (ع) به خصوص مورد توجه قرار گرفته است.

در اناجیل موجود، مضامینی چون تثلیث و تصلیب آمده که در قرآن بر بطلان آن تصریح شده، و همین امر مسلمانان را نسبت به مضامین اعتقادی اناجیل بدگمان کرده است؛ اما در باب مضامین اخلاقی وضع دیگری حاکم است. مسلمانان برپایه این دیدگاه که سخنان حکمت‌آموز را نزد هر کس یافت شود، باید همچون گمشده‌ای بازجست، نسبت به اندرزه‌های انجیل نیز چنین نگرشی داشتند.

از این‌رو، در بسیاری از منابع اسلامی اعم از آثار حدیثی، ادبی و اخلاقی می‌توان اندرزه‌هایی منقول از انجیل را باز یافت. در رتبه بعد باید به برخی استفاده‌ها از مضامین انجیل در باب قصص نیز اشاره کرد.

به عنوان اشاره به جایگاه انجیل نزد شیعه امامیه باید گفت مطابق شماری از روایات، نسخه اصیل انجیل به عنوان میراث نبوت، از پیامبر (ص) به حضرت علی (ع)، و سپس به امامان دیگر منتقل شده، و از این رو، گاه نقل قول‌های صریح از انجیل در احادیث مستند به امامان (ع) آمده است.

تورات و قرآن، با توجه به مطالبی که بیان شد، کتاب‌هایی مدون هستند و در این خصوص هیچ تردیدی وجود ندارد؛ اما درباره کتاب انجیل تردیدهایی هست. آیا انجیلی که قرآن معرفی می‌کند، کتابی مدون بوده است؟ در تاریخ هیچ اثری از انجیلی که به دست حضرت عیسی (ع) نوشته شده باشد، نیست و مسیحیان نیز هیچ ادعایی در این زمینه ندارند؛ بلکه برعکس، هیچ کتابی برای آن حضرت قائل نیستند.

در قرآن، چهار بار تعبیری مانند «وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيْتَاتِ» و «وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ» (بقره: ۸۷ و ۲۵۳؛ مائده: ۱۱۰؛ زخرف: ۶۳) و دو بار تعبیر «وَأَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ» درباره انجیل و حضرت عیسی (ع) وجود دارد. (مائده: ۴۶؛ حدید: ۲۷) تعبیر بینات، به معجزات آن حضرت اشاره دارد. ولی تعبیر «أَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْكِتَابَ» در هیچ آیه ای وجود ندارد، هرچند تعبیر «آتَانِي الْكِتَابَ» (مریم: ۳۰) هست که در زمان کودکی و در گهواره بودن حضرت عیسی (ع) است، البته درباره آن نیز اختلاف است؛ برخی آن را انجیل و برخی دیگر تورات دانسته اند.

قرآن کلام خدا و اعجاز جاودانه رسول خاتم ص است و از هر کلام دیگری چه در عصر و زمان خود و چه در هر عصر و زمان دیگری برتر و عالی تر و فصیح تر است و هیچکس نتوانسته و نخواهد توانست مانند آن را بیاورد و تحدی و همورد طلبیدن قرآن کریم همواره بودن جواب مانده و خواهد ماند. ۲. خطبه های پیامبر و نیز نهج البلاغه کلام معصومی چون رسول خدا ص و امام علی (ع) است و هر چند از سایر کلمات فصیح تر و درجه و رتبه اش بالاتر است اما درجه فصاحت آن هرگز به قرآن که کلام خداوند است نمی رسد. شهید مطهری ره در باره تفاوت فصاحت و بلاغت قرآن با نهج البلاغه چنین می گوید:

علی (ع) را دنیا به فصاحت و بلاغت قبول دارد. من در یکی از بحث های کتاب سیری در نهج البلاغه این بحث را کرده ام که چطور الان که بیش از هزار و سیصد و پنجاه سال از زمان علی (ع) و خطابه هایش گذشته و در هر زمان ادبا، فصحا و نویسندگان و خطبای درجه اول عرب زبان با ذوق های مختلف آمده و رفته اند، ولی کلام علی (ع) عظمت خود را حفظ کرده است. علی (ع) اولین آیه قرآن یعنی «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» را در سن ده یا یازده سالگی قبل از آنکه ذهنش به افکار دیگری نقش بندد، شنیده و از استعداد به حد وفور بهره مند بوده و مرتبا با قرآن مأنوس بوده است، اگر کسی می توانست مانند قرآن حرف بزند از همه شایسته تر علی (ع) بود ولی در عین حال، این نهج البلاغه است که ما وقتی آن را در کنار قرآن قرار می دهیم، به روشنی احساس می کنیم که دو سبک است. خودم به یاد دارم که در اواخر ایام طلبگی خویش که هم با قرآن آشنا شده بودم و هم با نهج البلاغه، در یک لحظه به طور ناگهانی این نکته برایم کشف شد. نهج البلاغه را مطالعه کردم، یکی از خطبه ها آن است که بسیار تشبیه و تمثیل در آن به کار رفته و جدا از آن نوع فصاحت و بلاغت هایی که بشر به کار می برد، بسیار فصیح و بلیغ است

### نتیجه گیری و دستاورد علمی پژوهشی

یکی از موضوعات مطرح در حقوق عمومی، حقوق شهروندی است که از مباحث مهم نظام های دینی و غیر دینی است. حقوق شهروندی، منعکس کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه ای است که در آن هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه همراه با صلح، امنیت و رفاه برخوردار گردد. این حقوق توامان با پیدایش انسان بوده و با وجود او به

وجود آمده است چرا که انسان موجودی است که کرامت خویش را از آفریدگار به ارمغان گرفته است. جایگاه حقوق و امتیازات شهروندان از مولفه‌های مهم اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت مدرن در جهان معاصر است. اصولاً حق و تکلیف در برابر هم قرار دارند و حق، تکلیف را به دنبال دارد. بنابراین می‌توان گفت: مفهوم شهروندی و حقوق شهروندی در برگیرنده مجموعه‌ای از تکالیف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر و در قبال شهر و دولتی است که در آن زندگی می‌کنند.

به نظر می‌رسد حقوق شهروندی جدید دو ویژگی دارد که آن را از سایر مفاهیم حقوق جدا می‌سازد: نخست، اینکه حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به شمار می‌آید. پس اگر حقوق شهروندی مدرن را جدا از حقوق بشر بدانیم، پس مفاهیم، اهداف و بنیان‌های آن نیز باید جداگانه بررسی شود و کارکردهای آن نیز متفاوت خواهد بود. باید با نگاهی خاص این علم را تعریف نمود. ارتباط این رشته با حقوق بشر و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی مربوط به شهروندی، لزوماً به معنی عدم استقلال آن نخواهد بود چرا که تقریباً تمام رشته‌های علوم انسانی با هم در ارتباط اند. دوم، حقوق شهروندی مدرن بر روابط شهروندان با یکدیگر و رابطه آنها با ارگان‌های دولتی دلالت دارد و از این لحاظ می‌توان آن را حقوق شهروندی به مفهوم عام به شمار آورد.

با توجه به بررسی نظرات صاحب‌نظران و کارشناسان می‌توان گفت: امروزه، افراد دارای شهروندی دوگانه و چندگانه می‌شوند. همچنین از قانون‌مداری، مشارکت و مسئولیت‌پذیری به عنوان مهم‌ترین مولفه‌های حقوق شهروندی می‌توان یاد کرد.

به نظر می‌رسد شکل و کارکرد شهروندی یونانی‌ها بسیار متفاوت از شکل و کارکرد شهروندی دوره مدرن بوده است. از برخی از تفاوت‌های میان شهروندی در دولت‌های یونان و دولت مدرن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱- گستره شهروندی در دولت‌های یونان انحصاری ولی در دولت مدرن به طور روزافزون فراگیر و به لحاظ نظری مساوات‌گرایانه است. ۲- محتوای شهروندی در دولت‌های یونان تعهداتی گسترده دارد. ولی محتوای شهروندی در دولت مدرن از حقوقی گسترده و، وظایفی محدود برخوردار است. ۳- عمق شهروندی در دولت‌های یونان عمیق ولی در دولت مدرن سطحی است. ۴- در بستر شهروندی در دولت‌های یونان جامعه از نوع جامعه برده‌داری و تولیدات کشاورزی بوده، اما در دولت‌های مدرن نظام دولت‌ها مردم‌سالار، نژادی، سرمایه‌دارانه و تولید آن صنعتی بوده است.

به نظر می‌رسد به طور کلی در دین اسلام شهروندی مفهومی مبتنی بر قوانین الهی، فطری و اجتماعی است. در مجموع می‌توان گفت حقوق شهروندی مجموعه قواعدی است که بر روابط اشخاص در هر جامعه حکومت می‌کند. دولت‌ها هم همواره ملزم و مکلف به حفظ و رعایت این حقوق هستند و اجرای آن را طبق قوانین داخلی برای اتباع خود تامين و تضمین می‌کنند. البته محتوای آن ممکن است از یک کشور به کشور دیگر متفاوت باشد. به نظر می‌رسد در مقام مقایسه جایگاه حقوق شهروندی در میان ادیان و مکاتب بشری، اسلام در عالی‌ترین مرتبه قرار دارد. چون به انسان در مقام خلیفه‌اللهی، حقوق و آزادی‌های اجتماعی را داده و در عین حال او را مسئول و مکلف به شناختن خیر خود و دیگران دانسته است. حقوق بشر اساسی‌ترین و ابتدایی‌ترین حقوقی است که هر فرد به طور ذاتی، فطری و به صرف انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود و منظور از واژه حقوق که در حقوق بشر بکار رفته است حقوق تشکیل‌دهنده نظام سیاسی و اجتماعی است، نه حقوقی که به لحاظ اخلاقی به عهده هرکس هست.



حقوق شهروندی مجموعه امتیازات و اختیارات ناشی از موقعیت و حالتی است که بر عضویت یک فرد در جامعه سیاسی دلالت می‌شد. مؤلفه‌های حقوق شهروندی شکل از حقوق شخصی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. به عبارت دیگر حقوق شهروندی مجموعه وسیعی از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که در کنار آن تکالیف و وظایف شهروندان در قبال دولت را مورد توجه قرار می‌دهد.

در مقابل حقوق شهروندی - که در آن دولت و نهاد متول مدیریت جامعه ملزم به اعطای امتیازها و اختیارهایی به شهروندان است. در تکالیف شهروندی، این شهروندان هستند که مقید به انجام وظایف و تکالیفی هستند که در جهت منافع عموم بوده و دولت به مثابه شخصیتی حنونی تما بنده مشروع و مقبول آن اجتماع است. از آنجائیکه تکالیف شهروندی ناشی از قانون اساسی هر کشوری است. از ضمانت اجرایی قانونی نیز برخوردار است.

در دنیای پر طمطراق امروزی که سرمایه داری و تفکرات وابسته به آن هر روز بیش از گذشته ارزش‌های انسانی را بلعیده و به کام خود می‌کشد، توجه دیگر باره بشر به خداوند و تفکر در ذات و غایت آفرینش خویش می‌تواند بار دیگر ندای خلیفه الهی انسان را در جهان به اهتزاز در آورد و در این راه قرآن - به عنوان تنها کتاب آسمانی تحریف نشده و نهج البلاغه که بدان برادر قرآن گفته می‌شود - می‌تواند راهگشای مطمئنی باشد. یکی از اصولی که توجه و مراعات آن، نقش مهمی در دستیابی به جامعه آرمانی الهی دارد، رعایت اصل تماثل حقوق متقابل از سوی شهروندان است و نهج البلاغه - به علت محتوای غنی و سرشار از حکمت بالغه علوی آن، چراغ هدایتگری در این راه است. رساله حاضر نیز تلاشی بود در حد بضاعت علمی نویسندگان، در جهت واکاوی حقوق و تکالیف شهروندی از منظر این کتاب ارزشمند و مقدس و انجیل کتاب مسیحیان پرداختیم.

بر اساس بررسی‌های که در این پژوهش صورت گرفت مشخص گردید مساله حقوق شهروندی به صورت پر رنگی در آموزه‌های دو دین بزرگ و جهانی اسلام و مسیحیت بیان شده است. از مجموع آنچه در این پژوهش مورد بررسی و توصیف قرار گرفت، می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- حقوق شهروندی به مجموعه امتیازات و توانمندی‌هایی گفته می‌شود که برای شهروندان یک جامعه بخاطر زندگی در یک اجتماع معین برقرار می‌شود. این حقوق ثابت و محفوظ بوده و آمیخته‌ای از وظایف و مسئولیت‌ها است و وظیفه تأمین آن بر عهده مدیران شهری، دولت یا بطور کلی، قوای حاکم می‌باشد و حکومت ایجادکننده حقوق نیست.

۲- هم در نهج البلاغه که دومین کتاب معتبر در بین مسلمانان و برترین تغییر از تعالیم و الای قرانی و وحیاتی است و هم در انجیل که به اعتقاد مسیحیان، کتابی آسمانی و الهی و مهدی‌خدایی برای نجات انسان‌ها از طریق پیامبری راستین حضرت عیسی (ع) است، به مؤلفه‌های اساسی در حقوق شهروندی اشاره و تصریح شده است و این بیانگر یگانگی دیدگاه این دو دین و این دو کتاب، درباره حقوق اساسی زندگی و حقوق شهروندی است

۳- برخورداری همه انسان‌ها از آزادی و مسئول بودن آنها در مقابل دیگر اعضای جامعه، برخورداری یکسان از امکانات و نعمت‌های زندگی و لزوم رعایت عدالت در بین آنها، تکریم انسان به عنوان آفریده خدا و فراهم سازی زمینه لازم برای سعادت وی و احترام به او، از جمله مؤلفه‌های اساسی حقوق شهروندی است که به صورت مشترک در هر دو کتاب نهج البلاغه و عهد جدید بیان گردیده است.

## منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)

نهج البلاغه. (۱۳۸۸). ترجمه: محمد دشتی، قم: وجدانی

آرزو رضایی پور (۱۳۸۵)، مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی، انتشارات دانشگاه تهران.

احمدزاده، سید مصطفی (۱۳۸۴)، «حقوق شهروندی»، مجله اندیشه، سال یازدهم، شماره ۳.

احمدی طباطبایی، سید محمدرضا (۱۳۸۸)، «حقوق شهروندی با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»،

فصلنامه خط اول رهیافت انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۸.

حمیدیان، زارع زردینی، حمید، زارعی محمودآباد، احمد حسن، جعفری، عبدالحمید (۱۳۹۹)، مطالعه تطبیقی تکلیف

و اختیارات دولت و جامعه از منظر نهج البلاغه و الاحکام السلطانیه، پژوهش دینی، شماره ۴۱، پاییز و زمستان

۱۳۹۹، صص ۷۹-۱۰۴.